

کارکرد سیاسی - امنیتی دیوان برید در خلافت اسلامی

جهانبخش ثواقب*

چکیده

دیوان برید در نهاد اداری خلافت اسلامی (امویان و عباسیان) کارکردی مهم در عرصه خبریابی و خبررسانی و امنیت قلمرو خلافت داشت. ضرورت اداره قلمرو گسترده خلافت، کسب اخبار و حوادث از ایالات و انتقال آنها به دارالخلافت، مراقبت از نحوه عملکرد کارگزاران، انجام خدمات پستی و اقدامات جاسوسی موجب اهمیت این دیوان در سازمان اداری خلافت اسلامی شد. در این پژوهش که از نوع تاریخی است در مرحله گردآوری به روش کتابخانه‌ای و در مرحله تبیین به شیوه توصیفی - تحلیلی، جایگاه نهاد برید در خلافت اسلامی و کارکردهای آن در امور پستی - ارتباطی و اطلاعاتی - امنیتی بررسی شده است. یافته پژوهش نشان می‌دهد که کارکرد سیاسی - امنیتی دیوان برید، جایگاه و اهمیت آن را در نظام خلافت چنان برجسته نمود که صاحبان برید در دربار خلفا از منزلت بالایی برخوردار شده و امنیت داخلی و حفظ قدرت خلفا به نحوه عملکرد این نهاد پیوند یافت.

واژگان کلیدی

نظام خلافت، امویان، عباسیان، دیوان برید، صاحب برید.

jahan_savagheb@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۱

*. استاد دانشگاه لرستان.

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۵

طرح مسئله

یکی از نهادهایی که به لحاظ ضرورت وجودی در کسب خبر از سراسر نواحی، جابه‌جایی محموله‌ها و نامه‌ها، نظارت بر رفتار کارگزاران و سلامت جریان امور اداری و در مجموع تأمین امنیت قلمرو گسترده اسلامی، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در نظام خلافت پیدا کرد، دیوان برید و متصدی آن صاحب البرید بود. بی‌گمان اساس این تشکیلات در خلافت اسلامی برگرفته از نظام‌های پستی - چاپاری تمدن‌های ایرانی و رومی بود که به‌طور گسترده‌ای توسط خلفای مسلمان به کار گرفته شد. این نهاد و متصدی آن اختیارات گسترده‌ای به‌ویژه در زمینه کسب اخبار و اطلاعات و عملیات جاسوسی، نظارت بر کارگزاران حکومتی و خنثی‌سازی اقدامات ضد امنیتی شورشیان و مخالفان خلافت پیدا کرد و در پرتو این اختیارات، نقش مهمی در ایجاد امنیت داخلی و تثبیت قدرت خلفا ایفا می‌کرد. در این پژوهش، کارکردهای گوناگون دیوان برید و وظایف صاحب برید تبیین و جایگاه و اهمیت آن به‌ویژه از منظر کارکرد سیاسی - امنیتی در خلافت اسلامی، عصر اموی و عباسی، بررسی می‌شود. محور اصلی پژوهش بر این پرسش قرار دارد که؛ کارکرد دیوان برید چه نسبتی با وضعیت قدرت خلفا داشته است؟ فرضیه پژوهش آن است که عملکرد دیوان برید به‌ویژه در عرصه امنیتی و اطلاعاتی و کارآمدی و توانمندی آن در برقراری ثبات و امنیت داخلی قلمرو خلافت، با تثبیت و تداوم قدرت خلفا پیوند تنگاتنگی داشته است.

درباره پیشینه پژوهش می‌توان از مدخل‌های سرکاراتی (۱۳۷۶) و کسای / برگ نیسی (۱۳۷۶) در *دانشنامه جهان اسلام*، آذرنوش (۱۳۸۳) در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، نام برد که به شیوه مدخل‌نویسی بیشتر به معنای واژه و وصف این دیوان در جهان اسلام پرداخته‌اند. آبادی (۱۳۵۶) نیز در مقاله «بحثی در پیرامون برید»، واژه‌شناسی برید و سیر تاریخی آن در ایران پیش از اسلام و وضع برید در حکومت‌های اسلامی را مطرح کرده است. پژوهش حاضر متفاوت از مواردی که نام برده شد، جایگاه و اهمیت این دیوان و کارکرد سیاسی - امنیتی آن را در نظام خلافت اسلامی بررسی نموده است. این پژوهش از نوع تاریخی است و با تکیه بر منابع اصلی تاریخی و پژوهش‌های جدید، اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری و به شیوه توصیفی - تحلیلی، تبیین شده است.

تعریف مفهومی

کارکرد Function از ریشه لاتینی Functio به معنای انجام یک وظیفه گرفته شده^۱ و در فارسی

۱. درباره این واژه و معانی آن، رک: مندراس و ژرژگوریچ، *مبانی جامعه‌شناسی*، ص ۱۸۲ - ۱۸۰؛ معین، *فرهنگ فارسی*، واژه «کار» و «کارکرد».

معادل‌هایی چون نقش، عمل، خدمت، شغل یافته است. در علوم اجتماعی نقشی را می‌رساند که یک جزء از کل تقبل کرده و به انسجام می‌رساند. در واقع، کارکرد به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد.^۱ کارکردگرایی Functionalism نیز در لغت به معنای کارویژه، نقش و وظیفه است و نتایج حاصله و آثار عینی پدیده‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد؛ و در اصطلاح، یکی از مکاتب جامعه‌شناسی است که به نظم و ثبات در جامعه توجه و بر نقش نهادها در ایجاد این نظم و ثبات تأکید دارد. در این مکتب، جامعه همچون مجموعه‌ای است از نهادهای وابسته به هم، که هر یک در ثبات کلی جامعه نقشی دارند؛ یعنی سازمان اجتماعی در ذات خود دارای نظم و انسجام و وحدت است. در این سازمان که به مثابه یک ارگانیکسم زنده عمل می‌کند، اندام‌ها و قسمت‌های مختلف، دارای نقش‌های حیاتی و تکمیل‌کننده هستند و وجود آنها به‌خاطر دوامی که می‌آورند، ضروری است.^۲ دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می‌دهد که در رابطه با کار و وظیفه سایر اعضا و اجزا به انجام کل بدن کمک می‌کند و وظایف هر کدام به نوبه خود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا به کلیت نظام و حفظ آن کمک می‌کند.^۳ در این دیدگاه، جامعه به‌مثابه نظام تلقی شده که اجزای آن وابستگی متقابل با هم دارند و میان اعضا رابطه کارکردی، وحدت کارکردی، عمومیت کارکردی (کارکرد مثبت)، و ضرورت کارکردی وجود دارد.^۴ در تعریف گیدنز، کارکردگرایی دیدگاهی نظری است که می‌کوشد رویدادهای اجتماعی را برحسب کارکردهایی که انجام می‌دهند - یعنی کمکی که به دوام و بقای جامعه می‌کنند - تبیین نماید.^۵

محوری‌ترین مفهوم در نظریه کارکردگرایی واژه کارکرد می‌باشد که به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می‌نماید.^۶ بنابراین، معنای کارکرد در منطق کارکردگرایی، اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقا و

۱. ریتزر، نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی، ص ۱۳۱.

۲. آقابخشی و افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱۳۲؛ مساواتی آذر، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره تغییرات اجتماعی، ص ۴۲؛ کافی، جامعه‌شناسی تاریخی، ص ۱۹۳ - ۱۹۱.

۳. توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص ۲۳۶؛ مندراس و ژرژ گورویچ، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۸۱.

۴. ر.ک: رابین، فلسفه علوم اجتماعی، ص ۲۲۳؛ فکوهی، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، ص ۱۶۳ - ۱۶۲؛ گولدنر، بحران جامعه‌شناسی غرب، ص ۱۱، ۱۷، ۴۴، ۴۵۴ و ۴۵۸؛ ریتزر، نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی، ص ۱۴۴.

۵. گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۸۰۰.

۶. گولد و کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۶۷۹.

انسجام نظام اجتماعی دارد. به بیان دیگر کارکردگرایی هر پدیده یا نهاد اجتماعی را از نظر روابط آن با تمامی هیئت جامعه (که آن پدیده یا نهاد جزئی از آن است) مورد شناخت قرار می‌دهد.^۱ کارکردگرایان اجزای سازنده یک جامعه را نهادهایی می‌دانند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آنها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطر افتادن حیات و بقای کل نظام اجتماعی است.^۲

آنچه برای کارکردگرایی اهمیت دارد، «تعادل خودمحور» است. در صورت فقدان نهادهایی که برآورنده ثبات و تعادل اجتماعی به‌شمار می‌روند، تعادل خودمحور در جامعه حاصل نمی‌شود. از مهم‌ترین نظریه پردازان کارکردگرا می‌توان به اگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸)، هربرت اسپنسر (۱۹۰۳ - ۱۸۲۰)، امیل دورکیم (۱۹۱۷ - ۱۸۵۸)، تالکوت پارسونز (۱۹۷۹ - ۱۹۰۲)، رابرت مرتن (۱۹۹۴ - ۱۹۱۰) و دیگران، اشاره نمود. دورکیم معتقد بود که درک کامل پدیده‌های اجتماعی تنها از طریق تبیین علی و کارکردی ممکن خواهد بود و تبیین علی بدون یک تحلیل کارکردی ناقص است.^۳ وی حتی دین را یک نهاد اجتماعی می‌دانست و بر کارکرد آن در ایجاد همبستگی، انسجام و نظم تأکید کرده است.^۴ ابراهامسون (۱۹۷۸) سه نوع کارکردگرایی: فردگرایانه؛ فیمابینی و اجتماعی نام برده است. کارکردگرایی اجتماعی به ساختارهای اجتماعی و نهادهای گسترده جامعه، روابط داخلی آنها و تأثیرهای الزام‌آورشان روی کنشگران اجتماعی توجه دارد.^۵ پارسونز، ضرورت کارکردی را در دو نوع بیرونی و درونی تشریح کرده و در درون این دو، چهار نوع کارکرد ضروری: ۱. تداوم الگوها؛ ۲. وسیله انطباق؛ ۳. ادغام (یکپارچگی) و ۴. دستیابی به هدف، مطرح نموده است.^۶ رابرت مرتن، کارکرد را به کارکردهای مثبت، منفی و خنثی و نیز آشکار و پنهان تقسیم نموده است. از نظر وی، کارکرد مثبت آن کارکردهایی هستند که یک نهاد به نفع نهادهای دیگر انجام می‌دهد. کارکرد منفی به پیامدهای سوء یک نهاد نسبت به نهادهای دیگر اطلاق می‌شود. کارکردهای خنثی

۱. محسنی، مقدمات جامعه‌شناسی، ص ۵۳.
 ۲. ر.ک: کافی، جامعه‌شناسی تاریخی، ص ۱۹۳.
 ۳. ر.ک: توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص ۲۰۴.
 ۴. اسکیدمور، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ص ۱۶۶.
 ۵. ریتزر، نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی، ص ۱۸۱.
 ۶. ر.ک: محسنی، مقدمات جامعه‌شناسی، ص ۲۲۰؛ مساواتی آذر، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره تغییرات اجتماعی، ص ۴۴ - ۴۵.

بیانگر آن دسته پیامدهایی است که ایجاباً و سلباً نسبت به نهادهای دیگر فاقد اثر و خاصیت‌اند.^۱ مقصود از کارکردهای آشکار آنهایی است که با قصد قبلی انجام می‌گیرند؛ یعنی کارکردهای حساب شده، عمدی و مورد نظر، درحالی‌که کارکردهای پنهان یا غیرمقصود، حساب نشده، غیرعمدی، نامشخص و ناخواسته، آن دسته از کارکردهایی است که جزء لوازم علی و معلولی یک نهاد و از مقتضیات ذاتی آن محسوب می‌شود، قطع نظر از اینکه بانیان نهاد به آن واقف باشند یا نباشند و یا مطلوب آنها نباشد.^۲ در تحلیل کارکردی سطوح متعددی وجود دارد. در پایین‌ترین سطح به کارکرد نقش فرد و در سطح بالاتر به کارکرد نهاد در جامعه و تأثیر آن بر محیط نهادی پرداخته می‌شود و رفتار کل نهاد بررسی می‌شود.^۳ پژوهش حاضر با در نظر داشتن دیدگاه مکتب کارکردگرایی درباره نقش کارکرد نهادها در ثبات و تداوم یا ناپایداری نظام اجتماعی، به ارتباط کارکردی نهاد برید با تداوم یا تزلزل نظام خلافت اسلامی پرداخته و بر این نکته تأکید ورزیده که کارکرد مثبت امنیتی این نهاد به تداوم قدرت خلافت منجر می‌شد و کارکرد منفی آن می‌توانست این وضعیت را مختل نماید. از سویی، با اینکه کارکرد آشکار این نهاد، امور پستی و ارتباطات و حمل و نقل بوده است، کارکرد پنهان آن وظیفه خبرگیری و خبررسانی و نظارت بر فعالیت دیگر نهادها و مأموران دولتی و کنترل تحرکات ضدامنیتی در قلمرو خلافت اسلامی و به عبارتی عیون یا دیدبان (به تعبیری جاسوسی) بوده است. همین کارکرد پنهان، اهمیت این نهاد را در دستگاه خلافت دوچندان کرد و جایگاه مهمی به آن بخشید.

اهمیت نظام برید

در آداب الملوک‌های اسلامی به‌طور آشکار بر ارزش یک نظام مؤثر در باب ابلاغ و انتقال اخبار و نظام جاسوسی برای تثبیت و تداوم قدرت در حکومت‌ها تأکید کرده‌اند. منصور خلیفه عباسی معتقد بود که چهار مأمور ارکان مملکت هستند و بدون آنها کشور منظم نخواهد شد: قاضی، صاحب شرطه (رئیس پلیس)، تحصیلدار مالی (مستوفی) و صاحب برید (کارآگاه و بازرسی) که خبر صحیح بدهد و اخبار و فعالیت‌های این سه نفر را گزارش کند.^۴ در سفارش‌های مسکویه برای خلیفه مأمون آمده که «صاحب برید را گفت تو صندوق اسرار منی و مهارکش کار منی، خیابای اسرار [رازهای نهانی] من

۱. ریتزر، نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی، ص ۱۴۶ - ۱۴۵.

۲. همان، ص ۱۴۷؛ کافی، جامعه‌شناسی تاریخی، ص ۱۹۴.

۳. اسکیدمور، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ص ۱۶۸.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۹۴؛ ابن‌اثیر، کامل، ج ۹، ص ۲۸۰.

به سرپوش کتمان پوشیده دار و بار امانت مرا بر خود گران مشمار.»^۱ پندنامه سبکتکین به پسرش محمود استفاده از صاحب بریدان امین را در قلمرو حکومتی توصیه می‌کند تا او را از کار رعیت و عدل و انصاف کارگزاران خبر دهند.^۲ در این پندنامه، به محمود تأکید شده که برای تداوم یافتن پادشاهی‌اش باید اخبار روزانه کشور را داشته باشد و از امور مالی دولت آگاه بوده و با نظارت بر کارگزاران خود از خیانت و حیف و میل اموال توسط آنان جلوگیری کند.^۳ «که هر خلل که پادشاهان را افتاده از غفلت و اِهمال بوده» است.^۴ تأکیدهایی که ضیاءالدین برّنی و صاحبان تاریخ فخری و قابوسنامه بر آگاهی داشتن دارندهٔ مُلک و سیاست از مسائل کشور، امور رعیت، نظارت بر کارگزاران، آگاهی از احوال وزیر و کارهای وی، تنبیه خطاکاران و پاداش نیکوکاران، به کارگیری افراد شایسته و عزل افراد ناشایست، آگاهی از اخبار و حوادث سرزمین‌ها و پادشاهان دیگر و ... دارند،^۵ نشان می‌دهد که این امر جز با دارا بودن نظام خبرگیری و خبررسانی منظم و تشکیلات کارآمد برید و نظام جاسوسی میسر نمی‌شده است. این نظام، اخبار و اطلاعات لازم را در اختیار پادشاه و وزیر قرار می‌داد تا هم شناخت درستی از پادشاهان اطراف داشته باشند برای به کار بستن تدابیر لازم امنیتی و هم نیروی انسانی مناسب و شایسته را برای تصدی مسئولیت‌ها بگمارند.

از دیدگاه خواجه نظام الملک طوسی، هدف از نظام برید نگه داشتن مردم به حالتی است که «پیوسته بر طاعت حریص باشند و از تأدیب پادشاه بترسند و کس را زهرهٔ آن نباشد که در پادشاه عاصی تواند بود و یا بد او یارد اندیشیدن.»^۶ خواجه، صاحب برید داشتن را یکی از قواعد ملک می‌داند که با وجود او دغدغه‌های ذهنی سلطان کم می‌شود.^۷ وی در توجیه داشتن برید، به نحوهٔ قضاوت مردم دربارهٔ عملکرد پادشاه نیز استدلال می‌کند. از این رو بر پادشاه واجب می‌داند که از احوال رعیت و لشکر و دور و نزدیک قلمروی خود آگاهی داشته و آنچه اتفاق می‌افتد بداند. اگر چنین نباشد عیب پادشاهی است و آن را بر غفلت و ستمکاری او حمل می‌کنند. به عقیده خواجه، برید همیشه وجود داشته و پادشاهان در جاهلیت و اسلام در همهٔ شهرها برید داشته‌اند تا آنچه از خیر و

۱. ناشناس، تاریخ شاهی قراختانیان، ص ۹۰.
۲. ناظم، «پندنامهٔ سبکتکین»، در زمینهٔ ایران‌شناسی، ص ۸۵.
۳. همان.
۴. شبانکاره‌ای، مجمع‌الانساب، ص ۴۱.
۵. ابن طقطقی، تاریخ فخری، ص ۲۸؛ برّنی، فتاوی جهاننداری، ص ۱۳۰ - ۱۱۶؛ عنصرالمعالی، قابوسنامه، ص ۲۰۵ و ۲۱۷.
۶. نظام الملک طوسی، سیاست‌نامه، ص ۷۵.
۷. همان، ص ۸۳.

شر اتفاق می‌افتاده باخبر باشند و اگر ستمی واقع می‌شد ستمگر را ادب می‌کردند. از این‌رو، به همه جا کارآگاهان گذاشته و دست ستمکاران را کوتاه کرده و مردم در امن و عدالت به کسب و عمارت مشغول گشته‌اند.^۱ بدین ترتیب خواجه، صاحب‌خبر یا صاحب‌برید را یکی از ارکان مهم در مراقبت از امور داخلی حکومت می‌داند.

کارکردهای دیوان برید

صرف نظر از گستردگی معنا و مفهوم برید، دیدگاه‌های گوناگون درباره اشتقاق این واژه و منشأ و پیشینه تاریخی آن وجود دارد در اصطلاح مسلمین برید به دستگاهی اطلاق می‌شد که وظیفه پُست و کارهای جاسوسی را انجام می‌داده و در عین حال به قاصدانی که مأمور این کار بوده‌اند گفته می‌شد.^۲ از آنجا که از سوی مأموران برید مکتوبات مختلفی حاوی اخبار و گزارش از همه نواحی به مرکز خلافت می‌رسید، بنابراین به دیوان مستقلی (دیوان برید) نیاز بود که این مکتوبات به آن دیوان ارسال شوند.^۳ در منشأ اخذ تشکیلات برید در خلافت اسلامی، یک دیدگاه آن را از ابتکارات ایرانیان دانسته است که پس از گرویدن به اسلام، آن را در نظام خلافت اسلامی معمول کردند. دیدگاه دیگر، برید جهان اسلام را در سده‌های نخستین، بیشتر برگرفته از تشکیلات مشابه روم شرقی می‌داند^۴ که ابتدا در شام و مصر معمول شد. احتمالاً در دوره جاهلیت و صدر اسلام، این واژه از ایران و ناحیه حیره، که در آن هنگام زیر سلطه ایران بود، به دیگر سرزمین‌های عرب نشین راه یافته است. رومی‌ها با تقلید از تشکیلات خبررسانی رسمی ایرانیان، چنین سازمانی را بنا نهادند. در روم شرقی، مهم‌ترین وظیفه این سازمان، خبررسانی و جاسوسی بود. به‌طور مسلم به هنگام نخستین فتوحات اسلام، این نهاد در روم وجود داشته است.^۵ نکته مورد تأکید این است که پیش از اسلام، برید در زمان پادشاهان ساسانی ایران و قیصران روم وجود داشته است.^۶ پس از اینکه این دیوان در خلافت

۱. همان، ص ۷۵ - ۷۴.

۲. آذرنوش، «برید»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۶۷؛ حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۴۶۰ - ۴۵۹.

۳. قدامه، کتاب الخراج، ص ۷.

۴. ر.ک: محمدی ملایری، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، ص ۸۳؛ آذرنوش، «برید»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲،

ص ۶۶؛ اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری،

ج ۱، ص ۹۷.

۵. کسایبی و برگ نیسی، «برید»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۲۰.

۶. قلقشندی، صیح الاعشی، ج ۱۴، ص ۴۱۲.

اسلامی شکل گرفت، وظایف و کارکردهای گوناگونی پیدا کرد که حول امنیت کشور، خبررسانی و امور پستی و حمل و نقل متمرکز بود و در مبحث پیش رو به مواردی از آن اشاره می‌شود.

قلمروهای فعالیت برید

۱. یکی از کارکردهای دیوان برید در امور پستی و ارتباطات بود. این دیوان وظیفه چاپار و پست و انتقال اخبار و احکام را برای برقراری ارتباط میان ولایات و شهرهای مختلف برعهده داشت. خدمات برید در آغاز شامل حمل و نقل مأموران دولتی به محل خدمتشان، جا به جا کردن اموال و کالاهای دولتی و بالاخره رساندن دستورات حکومتی بود.^۱

۲. از برید برای بردن مردم نزد خلیفه یا امیر به منظور تسریع در شرفیابی نیز استفاده می‌شد. کسانی را که می‌بایست به خدمت خلیفه می‌رسیدند برای اینکه زودتر به مقصد برسند گاه با کاروان چاپاری حرکت می‌دادند و گاه هم برید با کشتی حرکت می‌کرد.^۲

۳. از آنجا که اداره برید بودجه هنگفت و مأمورین متعدد و کارآزموده داشت، یکی از وظایف مهم آن، امن کردن راهها و دفع شرّ راهزنان و مراقبت و ترمیم و توسعه راههای دریایی و صحرائی بود. از آن‌رو، نامه‌ها و گزارش‌های مهم استانداران و مأمورین مرزی به اداره برید سپرده می‌شد تا هرچه زودتر از کوتاه‌ترین و یا بهترین وسایل به خلیفه برسانند.^۳ مَلَطَفَه یا نامه‌های فوری و خصوصی را نخست طومار و سپس کاملاً مهروموم می‌کردند و به وسیله مأموران تیزرو که فقط برای تعویض مرکوب در محل‌های معینی متوقف می‌شدند، به جانب مقصد می‌فرستادند.^۴ بین بغداد و رقه و دمشق، بین بغداد و موصل، بغداد و بصره، بغداد و کوفه و غیره، مأمورین برید فقط ۲۴ ساعت مأموریت خود را انجام می‌دادند. روی نیل و دجله کشتی‌های بریدی سریع‌السیری در حرکت بودند که سی فرسنگ یعنی ۱۸۰ کیلومتر در روز سرعت داشتند. این کشتی‌ها مسافر نیز سوار می‌کردند.^۵

۴. با اینکه کار دستگاه برید اجرای امور دولت بود و بریدها همه مأموران دولت و دارای مواجب بودند، اما گاهی اوقات نامه‌های خصوصی افراد را نیز به مقصد می‌رساندند^۶ و بزرگان مملکت نیز

۱. اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۴؛ زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۶ - ۱۸۵.

۲. همان، ص ۱۸۷.

۳. همان، ص ۱۸۷ - ۱۸۶.

۴. مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ص ۴۱۴.

۵. همان.

۶. امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ص ۴۰۸؛ پیرنیا و افسر، راه و ریاط، ص ۱۸۶.

امکان می‌یافتند که برای ارسال نامه‌هایشان از برید استفاده کنند. بابت حمل نامه‌ها سود مالی برای دولت حاصل می‌شد، اما میزان کرایه آن معلوم نیست. مخارج ارسال محمولات، نامه‌ها و اخبار فوری پس از وصول به مقصد پرداخت می‌شد. در سده ۴ ق بابت درآمد پست بغداد و هیت که روی فرات انجام می‌گرفت، سی هزار و دویست و پنجاه دینار همه ساله عاید دولت می‌شد.^۱

۵. از برید همچنین برای حمل و نقل سپاهیان به هنگام جنگ استفاده می‌شد.^۲ ضمن اینکه در مواقع جنگ، برید فوق‌العاده امور حربی سازمان داده می‌شد.^۳ چنان‌که در سال ۳۰۲ ق در جریان دست‌اندازی فرمانروای قیروان به مصر، علی بن عیسی وزیر خلیفه مقتدر «دستور داد از مصر تا بغداد جمازگان نهند که هر روز اخبار به او برسد».^۴

۶. برید افزون بر نامه، چیزهایی را هم که لزوم به سرعت انتقال داشت و مربوط به خلیفه و حکومت بود حمل می‌کرد، نظیر؛ آوردن هلیله تازه از کابل برای مأمون در خراسان،^۵ یا ارسال رطب تازه برای وی،^۶ نیز ارسال ماهی زنده در شیشه آب از اقیانوس اطلس برای خلیفه فاطمی توسط جوهر که در گزارش‌ها آمده است.^۷ این امر از آمد و رفت کاروان‌های برید و سرعت حرکت آنها در مسیرها و میان شهرها حکایت دارد که هم اخبار و هم کالاها را منتقل می‌کردند.

۷. این دیوان حتی کارهای تبلیغی به سود دولت هم انجام می‌داد؛ زیرا گاه عده‌ای از قصه‌گویان را به خدمت می‌گرفتند تا با توجه به اوضاع و مصالح حکومت وقت، مردم را به دلخواه سرگرم کنند تا از احوال کشور باخبر نشوند.^۸ در خلافت اسلامی بعضی طلاب علوم و دانشجویان (به شیوه خبرنگاران و نمایندگان کنونی جراید)، از طریق ارسال اخبار زندگی می‌کردند. حتی کسانی (از جمله شاعرانی) را برای راضی کردن، ساکت کردن یا صلح و جایزه دادن به ریاست برید می‌گماشتند. نمونه‌هایی از این کسان در منابع (یتیمه الدهر ثعالبی، معجم الادبایا قیوت) ذکر شده‌اند.^۹

۱. مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ص ۴۱۴.

۲. حتی، تاریخ عرب، ص ۴۱۰ - ۴۰۹؛ امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ص ۴۰۹.

۳. متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۲، ص ۲۳۳.

۴. قرطبی، دنباله تاریخ طبری، ص ۶۸۲۹.

۵. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۵۸ و ۱۸۵.

۶. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۳، ص ۵۷۷۱؛ همو، تاریخنامه طبری، ج ۴، ص ۱۲۵۳.

۷. ر.ک: متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۲، ص ۲۳۳.

۸. آبادی، «بحثی در پیرامون برید»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آذربایجان، ش ۱۲۲، ص ۲۲۲.

۹. ر.ک: متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۹۷.

۸. جویی علاوه بر کسب آگاهی از رخدادها و احوال دشمنان، نقل و انتقال اموال از سراسر کشور را از ضرورت‌های قرار دادن برید و به عبارتی از وظایف آن ذکر کرده است.^۱ ابن طقطقی با نقل سخن جویی و ذکر عبارت حفظ اموال، بر آن خرد گرفته که در برید فایده‌ای جز سرعت وصول اخبار نیست و حفظ اموال هیچ گونه ارتباطی با آن ندارد.^۲ البته امروزه نیز کسانی با توجه به اینکه برید مخصوص امور حکومتی بوده، درباره استفاده برید برای مراسلات مردم و جا به جایی مسافری تشکیک کرده‌اند.^۳

این گونه کارکردها که در امور پستی و مواصلاتی و تعمیر و امنیت راهها بود در زمره کارکردهای تعریف شده و خواسته یا آشکار نهاد برید بود. اما کارکرد مهم‌تر این نهاد در امور خبررسانی بود. برید سازمان ارتباطات و خبررسانی دولتی بود که از طریق مأموران خود وظیفه جمع‌آوری و گزارش اطلاعات و همچنین حراست از امنیت دولت را برعهده داشت. مأموران دیوان برید که در رباطها (پاسگاه‌ها)یی با فاصله دو فرسنگ از هم مستقر بودند وظیفه داشتند که اخبار مناطق مختلف را بی‌کم و کاست به حکومت گزارش کنند.^۴ در واقع رساندن اخبار مهم ولایات به دارالخلافه و انتقال اخبار محرمانه و به تعبیری خبررسانی و جاسوسی و عملیات ضد جاسوسی از وظایف دیوان برید بود. این وظیفه در زمره کارکرد پنهان دیوان برید بود که دیگران از وجود خبرگیران و منهبان این دیوان که در چهره‌های گوناگون و ناشناس به انجام مأموریت خود می‌پرداختند، آگاهی نداشتند. اخبار انتقالی تشکیلات برید فقط شامل اخبار سیاسی یا نظامی نبود، بلکه هر خبر جالب یا شگفت‌انگیزی گزارش می‌شد. نظیر خبر متصدی برید کوفه از وزش بادی سهمگین در کوفه و رعد و برق هول‌انگیز در آسمان و بارش سنگ‌های سپید و سیاه در یکی از دهات آن در حوادث سال ۲۸۵ ق،^۵ خبری مشابه در همان سال از بصره.^۶ نیز خبر فرو رفتن کوهی در دینور و فوران آب از زیر آن، فرو رفتن چند دهکده زیر آب، فرو رفتن بخشی از جبل لبنان به دریا، و نامه متصدی برید دینور درباره کره آوردن قاطری در آنجا در حوادث سال ۳۰۰ ق.^۷

۱. جویی، تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۱۸.

۲. ابن طقطقی، تاریخ فخری، ص ۱۴۶ - ۱۴۵.

۳. ر.ک: رفاعی، تشکیلات اسلامی، ص ۱۱۹.

۴. ناجی، تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، ص ۲۴۳؛ مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۲۱۴.

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۵، ص ۶۶۹۳.

۶. همان.

۷. قرطبی، دنباله تاریخ طبری، ص ۶۸۱۷ - ۶۸۱۶.

در مجموع می‌توان گفت که کارکردهای دیوان برید: ۱. در امور پستی و حمل و نقل؛ ۲. مرمت و آبادانی راهها و تأمین امنیت مسیرها و مبارزه با راهزنان؛ ۳. نظارت و مراقبت بر رفتار کارگزاران؛ ۴. کسب اخبار و اطلاعات و جاسوسی (از وضعیت شهرها، حکام نواحی و کارگزاران دولتی و سرزمین‌های هم‌جوار) و ارسال گزارش به مرکزیت سیاسی بوده است. از این‌رو، در نظام بریدی شبکه‌ای از ارتباطات زمینی (قطار برید متشکل از چهارپایان، ۴۰ تا پنجاه چهارپا)، ارتباطات هوایی (کبوتران نامه بر)، ارتباطات آبی (استفاده از کشتی) و ارسال خبر با آینه، آتش و دود، شکل گرفت که کار انتقال اخبار و ارسال نامه‌ها را میان خلیفه یا امیر و کارگزاران آنها انجام می‌داد. با استفاده از ابزار نور و روشنایی که در استان‌های غربی خلافت اسلامی معمول بود، یک خبر فوری از سبته واقع در مراکش در مدت یک شب به اسکندریه می‌رسید و اخبار طرابلس غرب در مدت سه چهار ساعت به اسکندریه می‌رسید. غیر از سازمان رسمی برید، بعضی از امرا و مأمورین نیز به‌طور خصوصی کبوترهای نامه‌رسان داشتند.^۱ بنابراین اخبار و نامه‌ها را با پیک پیاده یا کبوتر نامه‌رسان می‌فرستادند. گاه نامه را در نی نهاده میان گیاه می‌گذاشتند و آن را روی آب رودخانه می‌انداختند و گیرنده که منتظر دریافت نامه بود، آن را از آب می‌گرفت. گاه هم نامه را به وسیله تیر پرتاب می‌کردند که بیشتر در هنگام جنگ و محاصره انجام می‌گرفت.^۲

اول بار که از کبوتر نامه بر سخن به میان آمده، به سال ۲۳۹ ق / ۸۲۷ م. در دوران معتصم است که خبر دستگیری بابک خرمی را کبوتر بدو آورد.^۳ به نقل متز، ظاهراً بنیانگذار قرامطه در سده سوم نخستین کسی بود که به شکل سازمان یافته آن را به کار گرفت.^۴ متز اخبار متعددی را درباره حوادثی که در آنها از کبوتر نامه بر استفاده شده نقل کرده است.^۵ قلشندی در اثر خویش بایی را به کبوتران نامه بر اختصاص داده و اشاره کرده که خلفای بنی‌عباس به اهمیت آن توجه داشتند از جمله؛ مهدی و سپس بزرگان عراق به‌ویژه بصره از او پیروی کردند. چنان وصف کبوتر و بها و توجه به آن بالا گرفت که دفاتری در انساب کبوتر همانند انساب عرب نزد فروشندگان وجود داشت. وی می‌گوید دستگاه کبوتر نامه بر، در دیار مصر و شام ابتدا از موصل برآمد و اول پادشاهی که به آن توجه کرد و به انتقال آن از موصل پرداخت، نورالدین بن زنگی حاکم شام در سال ۵۶۵ ق بود. خلفای فاطمی مصر آن را

۱. همان، ص ۱۱۸ - ۱۱۷؛ مظاهری، *زندگی مسلمانان در قرون وسطا*، ص ۴۱۴.

۲. زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۱۸۷.

۳. مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴. متز، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ج ۲، ص ۲۳۵.

۵. ر.ک: همان.

گسترش دادند تا آنجا که دیوان و جرایدی در انساب کبوتر قرار دادند و محیی‌الدین بن عبدالظاهر کتابی با عنوان: *تمائم الحمام* تألیف کرد. سپس کسانی دیگر کتاب‌هایی در این باره نگاشتند.^۱

برخی از جغرافی‌نگاران در تعیین فواصل شهرها در مسیر راهها از مقیاس‌های فرسخ، میل و چاپار استفاده کرده و راههای چاپاری را معین نموده‌اند. بریده‌ها با اطلاع از این فاصله‌ها می‌توانستند سرعت خود را تنظیم کرده و بدانند که مسیرهای مختلف چند روزه طی خواهد شد.^۲ این مراکز بریدی را در کشورهای اسلامی غیر از ایران سگه، در مصر مرکز البرید و در ایران رباط می‌خواندند.^۳ براساس گزارش‌ها، فاصله مراکز بریدی در ایران معمولاً دو فرسخ و در کشورهای غربی اسلام چهار فرسخ بوده است. بریده‌ها برای طی مسافت در ایران غالباً از اسب و استر و در کشورهای عربی از شتر (جمازه) و برای فرستادن خبرهای سریع گاهی از کبوتر قاصد استفاده می‌کرده‌اند.^۴ طبیعی است که راههای مورد استفاده برید از امنیت برخوردار بود و تجار برای رفت‌وآمد تجاری از آن استفاده می‌کردند. امنیت این راهها انگیزه‌ای بود برای سفرهای جغرافیایی و جستجوهای علمی. در ایستگاه‌های بریدی، اتاق‌هایی برای اقامت پیک‌های برید، جاهایی برای چهارپایان بریدی و اصطبل‌هایی برای تعویض اسبان و تیمار و بیطاری آنها وجود داشت. سفره‌خانه‌هایی هم در این کاروان‌سراها بود که غذای آماده و نیز آب و زادوتوشه راه برای کاروانیان تدارک می‌دید.^۵

در دیوان برید در هر ولایتی سیاهه‌های مخصوص یا دفاتر راهنما وجود داشت که راه‌های آن ولایت و اسامی و مراکز ایستگاه‌های برید و مسافت پست‌ها در آنها ثبت شده بود و در دیوان مرکزی برید نسخه‌ای از آن نگهداری می‌شد. این نسخه‌ها شبکه مواصلاتی و مراکز برید در سرتاسر خلافت اسلامی را نشان می‌داد. بسیاری از جغرافی‌نویسان مسلمان در تحقیقات جغرافیایی بر این سیاهه‌ها اعتماد می‌کردند و در تألیف کتاب خود از این اسناد کمک می‌گرفتند. نمونه آن ابن‌خردادبه، مؤلف کتاب *المسالك و الممالک* است.^۶ تمام حکومت‌های اسلامی، دفتر رمزی داشتند که در آن نامه‌های فوری و محرمانه ثبت می‌شد و کلید آن فقط در دست تنی چند از شخصیت‌های مملکتی بود. این

۱. قلقشندی، *صبح الاعشى فی صناعة الانشاء*، ج ۱۴، ص ۴۳۶ - ۴۳۴.
۲. قدامه، *کتاب الخراج*، ص ۸۱ - ۸۵، ۹۸ - ۹۹ و ۱۰۷ - ۹۹؛ ابن‌خردادبه، *المسالك و الممالک*، ص ۱۱۵ - ۱۷.
۳. پیرنیا و افسر، *راه و رباط*، ص ۱۸۴.
۴. حتی، *تاریخ عرب*، ص ۴۱۰؛ زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۱۸۷؛ پیرنیا و افسر، *راه و رباط*، ص ۱۸۶؛ متز، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ج ۲، ص ۲۲۹، ۲۳۵؛ اشپولر، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ج ۲، ص ۱۱۴.
۵. رفاعی، *تشکیلات اسلامی*، ص ۱۱۹؛ مظاهری، *زندگی مسلمانان در قرون وسطا*، ص ۴۱۴.
۶. حتی، *تاریخ عرب*، ص ۴۱۰؛ رفاعی، *تشکیلات اسلامی*، ص ۱۲۰.

دفتر رمز، «معما» خوانده می‌شد. در هریک از مراکز مهم مملکتی یک نفر به‌عنوان نماینده و کاردار به‌طور منظم گزارش‌های رمز را با رعایت اختصار با سریع‌ترین وسایل می‌فرستاد.^۱

وظایف صاحب برید

در حکومت‌های اسلامی به مأمور مخصوصی که امر برید را برعهده داشت، صاحب البرید گفته می‌شد.^۲ وی که رئیس دیوان برید یا پستخانه بود زیر نظر صاحب دیوان البرید کار می‌کرده و این صاحبان برید به نوبه خود مسئول بودند که تمام اخبار و اطلاعات مربوط به امور سیاسی، قضایی، اقتصادی و آنچه را به امنیت مملکت و منافع دولت بستگی داشت به مرکز حکومت برسانند.^۳ صاحب برید گاه به‌عنوان مرجع اخبار در حکم جاسوس و مأمور ویژه (چشم و گوش) خلیفه بود؛ زیرا رئیس برید غیر از نظارت بر سازمان‌های برید، رئیس دستگاه اطلاعات بود که همه سازمان برید تابع آن به‌شمار می‌رفت، از این رو او را صاحب برید و اخبار می‌نامیدند.^۴ او با این عنوان مانند یک بازرس عمومی و نماینده محرمانه دولت مرکزی عمل می‌کرد. در هر جا چشم‌هایی (جاسوسانی) و خبرگیران مورد اعتمادی که در آن زمان مَنه‌ی نامیده می‌شدند، معین می‌کرد که از هر پیشامدی چه جزئی، چه کلی، حتی از کارهای نهانی و از طرز رفتار کارگزاران امور با مردم، او را آگاه می‌ساختند. قدامه، بعضی از مهم‌ترین وظایف صاحب برید را که در زمینه کسب خبر و جمع‌آوری اطلاعات و وظیفه نظارتی و جاسوسی است بدین صورت آورده است:

آگاهی از احوال عاملان خراج و املاک و خبرگیری و بررسی دقیق جریان کارهای آنها و تهیه گزارش صحیح آن، اطلاع از اوضاع شهرها و بسامانی یا نابسامانی آن و احوال رعیت و طرز کار مأموران اعم از ستم و تجاوز یا انصاف و رعایت آنها و تهیه گزارش تفصیلی آن، آگاهی داشتن از کردار و رفتار و اخطار حکام، آگاهی از میزان ضرب سکه طلا و نقره در ضرابخانه و یادداشت آن، آگاهی از میزان دریافت هزینه و رسوم از واردکنندگان کالا و ثبت صحیح میزان واقعی آن، گماشتن ناظر در مجلس عرایض حکام برای یادداشت به موقع جریانات، گزارش اخبار پس از اطمینان به محرز و مسلم بودن آن، گماشتن

۱. مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطا، ص ۴۱۵.

۲. قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۱۴، ص ۴۱۰.

۳. زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۵؛ پیرنیا و افسر، راه و رباط، ص ۱۸۶.

۴. ابن حوقل از آن به‌عنوان «صاحب خبر» یاد کرده است. سفرنامه (ایران در صوره الارض)، ص ۱۶۰، ۱۶۵.

پیکها در قلمرو مأموریت خود و ثبت اسامی و حقوق آنها، شناختن راهداران و محل خدمت آنان، الزام مأموران خود به تسریع در انجام کار، نظارت بر ثبت ورود و خروج پیکهای برید به منظور عدم تأخیر آنها در ایستگاهها. [که] وی می‌بایست این اخبار را پس از جمع آوری و بررسی درستی یا نادرستی آن، دسته بندی و گزارش کارها و رفتار هر یک از کارگزاران را جداگانه به مرکز ارسال می‌نمود. نیز می‌بایست هر قسم از اخبار را در نامه مستقلاً می‌نوشت، مثلاً گزارش کار قاضی و دستیارانش در یک نامه، و احوال خراج و املاک و حقوق حکام در نامه دیگر و ...، تا هر نامه در جای خود قرار می‌گرفت.^۱

صاحب برید اخبار طبقه بندی شده را به وسیله کارمندانی که با اسبان آماده در ایستگاههای بریدی بودند، گزارش می‌کرد. بخشی از گزارشها شامل گزارش کارگزاران حکومت و حاکم هر ولایت از سوی صاحب برید هر ولایت، به صاحب برید کل می‌رسید. این صاحب بریدان گاه مستقیماً به خلیفه خبر می‌دادند. همین که رئیس برید به خدمت خلیفه می‌آمد، همه حضار پراکنده می‌شدند و او گزارش خود را می‌گفت و راجع به انتشار یا کتمان آن از خلیفه دستور می‌گرفت. در واقع، صاحب برید چشم بینای خلافت بود و می‌بایست خلیفه را از کار و رفتار عاملان ولایات خبردار کند و فرمانهای وی را به اطراف رساند و اوضاع همه جا را چنان که هست بدو بنمایاند.^۲

در امور مراسلات و ارسال نامه‌های حاوی اخبار، رئیس دیوان برید می‌بایست به هر چیزی و جایی راه می‌داشت تا نامه به مقصد می‌رسید؛ زیرا مسئولیت عرضه نامه‌های مأموران برید و اخبار مربوط به همه نواحی را به درگاه خلیفه برعهده داشت و می‌بایست مجموعه‌ای از این کارها را گزارش می‌داد. همچنین او وظیفه داشت به کار راهنمایان برید و دبیران و توقیع کنندگان نامه‌ها و کارمندان چاپارخانه‌ها رسیدگی کرده، مستمراً آنان را پیردازد و حکم مأموران پست را در سایر شهرها ابلاغ کند.^۳ اطلاعات او در باره مسیرها و راهها، هنگام اعزام مأمور به جایی یا گسیل لشکر برای امور مهم نظامی، در اختیار خلیفه قرار می‌گرفت.^۴ بی‌گمان انجام این همه کار از عهده صاحب

۱. قدامه، کتاب الخراج و صنعه الكتاب، ص ۴۸.
 ۲. حتی، تاریخ عرب، ص ۴۱۱؛ زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۶؛ حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۲۳۵، ج ۳، ص ۶۱۸؛ امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ص ۴۰۸؛ مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۲۱۴ - ۲۱۳؛ فقیهی، آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان، ص ۳۵۸؛ رفاعی، تشکیلات اسلامی، ص ۱۱۶ - ۱۱۵؛ آبادی، «بحشی در پیرامون برید»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آذربایجان، ش ۱۲۲، ص ۲۲۲ - ۲۲۰.
 ۳. قدامه، کتاب الخراج، ص ۷.
 ۴. همان، ص ۸.

برید بر نمی‌آمد، از این رو شخصی که آگاه به آداب و رسوم دیوان برید و مورد اعتماد رئیس دیوان و خلیفه بود انتخاب می‌شد تا به وی کمک نماید.^۱ این افراد نایب برید به‌شمار می‌رفتند.

همچنین اخبار آنچه در لشکر می‌گذشت از طریق صاحب برید لشکر به اطلاع مسئولین مربوطه دستگاه حکومت می‌رسید.^۲ وی هنگام بازدید قشون و همچنین موقع پرداخت حقوق آنان بایستی حاضر می‌بود.^۳

در واقع هر شهری صاحب بریدی داشت که اخبار را در اختیار حکومت مرکزی قرار می‌داد. اخبار ارسالی از جانب صاحبان برید نواحی مختلف به دیوان برید مرکزی به‌وسیله پیک‌هایی که با سرعت بسیار مسافت‌های طولانی را می‌پیموده‌اند، صورت می‌گرفت.^۴ در بسیاری از موارد، اخبار ارسالی با رمز یا علامتی خاص می‌رسید؛ زیرا برای جلوگیری از اخبار نادرست و ساختگی، پادشاهان و امراء با مأمورین برید علامات و رموزی را در میان می‌گذارند که کسی جز خودشان بر کشف آن قادر نبود. اگر خبری حتی با امضا و مهر مربوط می‌رسید که آن رمز و علامت را نداشت آن را ساختگی می‌دانستند.^۵ مأموران بلندپایه اداری و نظامی، به‌ویژه مأموران مالی در ایالات دوردست، برای آنکه متصدیان برید سوء استفاده‌های مالی و استقلال طلبی آنان را به مرکز گزارش نکنند به طرق مختلف می‌کوشیدند تا مأموران را بفریبند و گاه نیز با آنان تبانی می‌کردند. والیان گاه با استفاده از مأموران مخفی زیردست متصدیان برید، گزارش‌ها را تغییر می‌دادند، اما چون این گزارش‌ها علائم رمز میان فرمانروا و مأموران برید را نداشت، چندان درخور اعتماد نبود.^۶

بنابراین، در میان ادارات دولتی و از لحاظ ارتباط آنها با مرکز، شغل صاحب برید اهمیت خاص داشت؛ زیرا افزون بر اداره پست دولتی، وی موظف بود اطلاعات محرمانه‌ای درباره رفتار مأموران دولت، به‌ویژه حکام و جانشینان خلیفه و امیران ایشان بدهد. اینان از صاحب برید خود بیم داشتند و حساب می‌بردند و می‌دانستند که وی مراقب هر گامی است که آنان برمی‌دارند. مبارزه با صاحبان برید دشوار بود؛ چون ایشان مستقیماً تابع مقامات مرکزی بودند.^۷ به‌لحاظ اهمیت وظایف و منصب

۱. همان، ص ۸ - ۷.

۲. انوری، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، ص ۱۹۲.

۳. امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ص ۴۰۸.

۴. انوری، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، ص ۱۸۷ - ۱۸۶.

۵. زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۶.

۶. کسایی و برگ نیسی، «برید»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۲۲.

۷. پیگولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی، ص ۱۸۰.

بریدی، این افراد می‌بایست امین و درستکار باشند و با دقت لازم برگزیده می‌شدند. ترجیحاً از خانواده‌های رؤسای قدیمی برید انتخاب می‌شدند و از جوانی برای جاسوسی تعلیم می‌دیدند و گاه از جانب جاسوسان حرفه‌ای حمایت می‌شدند. سیاستمداران شورشی از این افراد واهمه داشتند و به همین سبب همواره با احتیاط کامل رفتار می‌کردند.^۱ در زمان خلفا اداره برید به اشخاص مطمئن، بافکر و تدبیر واگذار می‌شد؛ زیرا روابط خلفا با مأمورین عالی رتبه و دوستان و دشمنان آنها در دست این اداره بوده است.^۲ به سبب اهمیت وظیفه بریدی، خواجه نظام الملک می‌گوید این کار باید به دست کسانی سپرده شود که هیچ گمان بدی بر آنها نباشد و دنبال منافع شخصی نباشند؛ زیرا صلاح و فساد مملکت به آنها بستگی دارد. این افراد باید کاملاً وابسته به پادشاه بوده و از او حقوق دریافت دارند تا آلوده به فساد و ستم نشوند و پادشاه را از هر حادثه‌ای باخبر سازند.^۳

جایگاه برید در خلافت اسلامی

بنابه برخی قرائن، نظام خبریابی و خبررسانی و برید در تاریخ اسلام از زمان پیامبر اسلام معمول بوده است. در روایتی نقل شده است که پیامبر ﷺ به امیرانش می‌نوشت وقتی نزد من برید می‌فرستید، خوش روی و خوش نام باشد.^۴ به نقل ابن بادیس، پیغمبر ﷺ هرگاه می‌خواست پیکری بفرستد فرد خوش نامی را معین می‌کرد.^۵ از گزارش‌های تاریخی درباره ارسال نامه‌های دعوت از سوی پیامبر برای پادشاهان هم‌جوار و نیز اینکه در عهد راشدین، خلفا به ناچار باید با فرماندهان و امیران و والیان ارتباطی مستمر می‌داشتند، ادعای وجود چیزی شبیه سازمان برید در صدر اسلام استنتاج می‌گردد. گزارش شده در جریان فتح عراق، نامه‌ها، راهنمایی‌های جنگی و اخبار جنگ به صورت روزانه میان عمر و سپاه سعد وقاص رد و بدل می‌شده است. این نکته حکایت از بریده‌های ویژه جنگی در ایام جنگ‌ها دارد.^۶

برید در خلافت امویان

آغاز رسمی برقراری برید در جامعه اسلامی به زمان بنی‌امیه و به معاویه بن ابی‌سفیان (حک: ۶۰ - ۴۱ ق)

۱. اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. آبادی، «بحثی در پیرامون برید»، نشریه ...، ش ۱۲۲، ص ۲۲۰.

۳. نظام‌الملک طوسی، سیاست‌نامه، ص ۷۵.

۴. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۱، ص ۴۴۷.

۵. کتانی، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ص ۱۲۳.

۶. رفاعی، تشکیلات اسلامی، ص ۱۱۴.

نسبت داده شده است.^۱ این اقدام، بنابه پیشنهاد مأمورین وی در عراق و مشاورین او در شام انجام پذیرفت. ابتدا برای آن بود که دمشق پایتخت با سرعت هرچه بیشتر از جریان کارهای عراق و فارس و مصر باخبر شود، سپس آن اداره توسعه یافته و مراقبت در کارهای مأمورین و ملازمین خلیفه نیز به آن واگذار شد.^۲ به هر صورت، انگیزه اطلاع از رویدادهای قلمرو گسترده دولت اسلامی در تأسیس این دیوان مؤثر بوده و توانست در ایجاد نظم در این قلمرو نقش مهمی ایفا کند.

برخی، تأسیس برید را به عبدالملک بن مروان نسبت داده‌اند، اما ظاهراً او برای تنظیم و اداره حکومت خود به نحو مؤثری از این تشکیلات استفاده کرده و آن را گسترش داده است. در این زمان، این نهاد چنان اهمیت یافت که عبدالملک، حاملان برید را در هر وقت از شب و روز می‌پذیرفت.^۳ وی از طریق مأموران خود خبر یافت که یکی از والیان شهرها هدایایی از رعیت پذیرفته، او را به دمشق فرا خواند و پس از بازخواست، به اتهام خیانت در امانت از خدمت برکنارش کرد.^۴ ولید اول (حک: ۹۶ - ۸۶ ق) از این سازمان برای حمل و نقل مصالح تزئینی بناهای خود از قسطنطنیه به دمشق، نظیر مسجد جامع دمشق، مساجد مکه و مدینه و قدس نیز استفاده می‌کرد.^۵ در دوره عمر بن عبدالعزیز (حک: ۱۰۱ - ۹۹ ق) به منظور نظارت بیشتر حکومت مرکزی بر قبایل عرب ساکن در خراسان، تشکیلات برید مستحکم‌تر شد و هزینه آن بالا رفت.^۶ وی میان خراسان و دمشق برید ایجاد کرد و ظاهراً همین برید، نخستین سازمانی بود که پس از ساسانیان در ایران پدید آمد.^۷ قدیم‌ترین سند درباره تشکیلات برید نیز از همین دوران به دست آمده است. در این سند که در حفریاتی که در نزدیکی سمرقند صورت گرفته یافت شده، سلیمان بن ابوالساری از سوی عمر دوم به منصب بریدی گماشته شده است.^۸ در اواخر امویان که سقوط این سلسله نزدیک شد، رابطه بریدی میان عراق و خراسان قطع گردید^۹ که از رابطه میان نابودی برید و سقوط امویان حکایت دارد.

۱. ابن طلقی، تاریخ فخری، ص ۱۴۵.

۲. زبدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۱۸۵؛ قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۱۴، ص ۴۱۳.

۳. همان.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۲۱.

۵. قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۱۴، ص ۴۱۳.

۶. کسایب و برگ نیسی، «برید»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۲۱.

۷. آذرنوش، «برید»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۶۷.

۸. کسایب و برگ نیسی، «برید»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۳۲۱.

۹. قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۱۴، ص ۴۱۳.

برید در خلافت عباسیان

در خلافت عباسیان که بنیاد حکومت بر قواعد و سنن ساسانی ترتیب داده شد، برید اهمیت شایانی یافت و همیشه یکی از بزرگان سرشناس و خواجه سرایان معتمد خلیفه عهده‌دار این منصب بود.^۱ چنان‌که در زمان هارون الرشید، جعفر برمکی دیوان برید را اداره می‌کرد^۲ و ابن خردادبه (متوفی حدود سال ۳۰۰ ق) شخصاً به دیار جبال، صاحب برید معتمد خلیفه عباسی بود.^۳ قدامه بن جعفر صاحب کتاب *الخراج*، صاحب برید خلیفه مکتفی بود.^۴ برقراری ارتباط با سرزمین‌های ولایات پهناور قلمرو اسلامی، طبیعتاً برقراری سازمانی پرفعالیت مانند برید را ایجاب می‌کرد. در مسیر راه‌ها برای رفاه بیشتر در هر دو فرسنگ و در مناطق مورد نظر، ایستگاه‌ها و دفاتر پستی دایر شد. همچنین برای ارتباط و تسهیل در کار، جاده‌های چاпарی مناسبی به وجود آمد و از چهارپایان مانند اسب، قاطر، شتر و نیز مأموران پیاده به‌عنوان قاصد کمک گرفته شد.^۵

عباسیان چنان به برید اهمیت می‌دادند که در پاره‌ای از موارد خودشان جزء اداره برید درمی‌آمدند و احوال افراد و مملکت را شخصاً تفتیش می‌کردند. گاه هم این بازرسی علنی بود؛ یعنی خلیفه مأمور مخصوصی برای مراقبت وزیر یا قاضی یا استاندار و امثال آن تعیین می‌کرد تا بدون حضور او هیچ کاری انجام نیابد و آنچه واقع می‌شد توسط این مأمور ویژه به خلیفه گزارش داده می‌شد. گاه برای این بازرسی نیز بازرسی دیگر گماشته می‌شد که به‌طور محرمانه اعمال او را تحت مراقبت قرار می‌داد و به مرکز خلافت گزارش می‌کرد.^۶ در عصر عباسیان دیوان برید تا آنجا توسعه یافت که بیش از ۹۳۰ مرکز برید در قسمت‌های مختلف کشور وجود داشت.^۷ حتی یکی از نشانه‌های تیرگی روابط خلیفه و کارگزاران وی قطع روابط برید بود. چنان‌که مأمون به سبب اقدام امین در ولیعهد نمودن پسر خود موسی، رابطه برید (از بغداد به خراسان) را با وی قطع کرد و نام او را از طراز برداشت.^۸

۱. حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۵.

۲. حتی، *تاریخ عرب*، ص ۴۰۹.

۳. همان، ص ۴۱۰.

۴. آذرنوش، «برید»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۲، ص ۶۸.

۵. زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۱۸۷.

۶. همان، ص ۱۸۶؛ آبادی، «بحثی در پیرامون برید»، *نشریه ...*، ش ۱۲۲، ص ۲۲۱.

۷. ابن خردادبه، *المسالك و الممالک*، ص ۱۲۸.

۸. نخجوانی، *تجارب السلف*، ص ۱۵۴؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱۲، ص ۵۴۱۱.

در این دوره، منصور عباسی به وسیلهٔ عاملان برید از اعمال حُکام و احکام قاضیان و خراجگیران خبر می‌یافت. مأموران برید، وضع زندگی مردم را نیز بدو خبر می‌دادند و نرخ لوازم زندگی چون گندم و دانه‌ها و چرم و خوراکی و جز آن را می‌نوشتند. نظام برید در ایام منصور چنان بود که هر روز دو بار گزارش ولایات بدو می‌رسید. پس از نماز مغرب گزارش روز را می‌دید و پس از نماز صبح از گزارش شب آگاه می‌شد. او براساس این گزارش‌ها، ناظر مأموران خویش بود، قاضی ستمگر را گوشمال می‌داد، نرخ‌گران را ارزان می‌کرد و اگر از عاملان خویش تقصیری می‌دید، توبیخ و ملامت یا عزل و مجازات می‌کرد.^۱ منصور پس از دریافت خبری از سوی متصدی برید مبنی بر پرداخت بیست هزار درم از جانب مهدی ولیعهد به شاعری، مانع پرداخت این مبلغ شد.^۲ وی یکی از عربان را که به حضرموت گماشته بود بی‌درنگ برکنار کرد؛ چون متصدی برید به وی خبر داد که آن حاکم با بازها و سگ‌هایی که فراهم آورده بسیار به شکار می‌رود.^۳ منصور می‌گفت: «احتیاطی بهتر از انتقال خبرها نمی‌توان داشت.»^۴ او به لحاظ اهمیت برید و کسب اخبار می‌خواست امور اخبار و تجسس و اطلاعات را به افراد خانواده خود واگذار کند، اما برای اینکه مبادا از مرتبه آنها کاسته گردد، این کار را به موالی و غلامان واگذار کرد.^۵

در سال ۱۶۶ ق مهدی عباسی در مسیر مکه و مدینه و یمن ایستگاه‌های برید احداث کرد و در آنها استران و شترانی برای حمل فراهم آورد. پیش از آن در آنجا برید نبود^۶ و به هنگام جنگ با رومیان، بریدانی برگماشت که اخبار جنگ را به سرعت به او برسانند.^۷ در برخی گزارش‌ها، مهدی عباسی را اول کسی ذکر کرده‌اند که در اسلام برید را ترتیب داد.^۸ وی شخصی به نام یعقوب را مأمور رسیدگی به کارها و گزارش دادن کرده بود. این مأمور هر وقت که می‌خواست، بدون اجازه بر مهدی وارد می‌شد و پیشنهادهای خود را ارائه می‌داد.^۹ در دوران خلافت هارون الرشید، سازمان برید

۱. همان، ص ۴۹۹۹ - ۴۹۹۸؛ حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۵.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۰۰۳.

۳. همان، ص ۴۹۹۵.

۴. همان، ص ۵۰۰۰.

۵. ابن اثیر، کامل، ج ۹، ص ۲۸۷.

۶. همان، ج ۱۰، ص ۲۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۱۲، ص ۵۱۳۵.

۷. قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۱۴، ص ۴۱۴.

۸. الاعلمی، دائرة المعارف الشیعه العامه، ج ۶، ص ۱۵۳.

۹. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۹۳ - ۲۹۲.

گسترده‌تری یافت و مأمون نیز در توسعه آن کوشید تا جایی که محصولات را از راه‌های دور تازه نزد وی حاضر می‌کردند.^۱ در این دوره مأموران برید مراقب رفتار حکام در نواحی مختلف بوده و علاوه بر کسب اخبار به جاسوسی نیز می‌پرداخته‌اند و گزارش‌های خود را به دربار خلافت می‌رسانده‌اند. صاحب برید خراسان گزارش فضل بن یحیی برمکی را در نامه‌ای به رشید نوشته بود که «فضل به شکار و عیاشی از کار رعیت بازمانده است.»^۲ محمد امین نیز برای کسب اخبار خراسان هنگام شدت یافتن بیماری پدرش رشید در آنجا، از طریق نظام بریدی و جاسوسی تلاش‌هایی را به کار بست.^۳ در یکی از نامه‌هایی که به‌وسیله جاسوس ارسال کرد، امین از برادرش صالح خواسته بود که اسماعیل بن صبیح و بکر بن معتمر را بر اسبان بریدی سوی او بفرستد.^۴

در همین روزگار، مأموران برید نامه طاهر بن حسین حاوی خبر کشته شدن علی بن عیسی سردار اعزامی امین را از ری به مرو که دویست و پنجاه فرسنگ مسافت بود به سه روز بردند و مأمون از این واقعه آگاه گشت.^۵ در زمان مأمون، برید به کابل پیوست.^۶ مأمون از طریق شبکه بریدی بسیاری از اخبار را دریافت می‌کرد و براساس آن تصمیم می‌گرفت. نظیر عزل عباس بن عبدالله مالکی عامل وی بر ری به سبب ارتباط پنهانی با امین،^۷ خبر خودداری طاهر از دعا کردن برای خلیفه مأمون در روز جمعه از سوی عامل برید خراسان و فوت طاهر همان عصر،^۸ بررسی عقیده عبدالله بن طاهر نسبت به خلیفه و آشکار کردن اتهام گرایش وی به علویان.^۹

در خلافت متوکل، خبر اجتماع مردم اطراف جنازه احمد بن نصر در محلی به نام کلتانیه در ناحیه واسط را ابن کلبی متصدی برید بغداد به خلیفه نوشت. او نیز به محمد بن عبدالله طاهری دستور داد که از اجتماع مردم و جنبش در این‌گونه امور جلوگیری کند.^{۱۰} در زمان معتز، برید بغداد را به مردی

۱. قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۱۴، ص ۴۱۴.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۱ - ۳۷۰.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۲، ص ۵۴۰۱ - ۵۳۹۹.

۴. همان، ص ۵۴۰۴.

۵. نخبوانی، تجارب السلف، ص ۱۵۵.

۶. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۵۸ و ۱۸۵.

۷. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۲، ص ۵۴۱۲.

۸. همان، ج ۱۳، ص ۵۷۰۷.

۹. همان، ص ۵۷۳۵.

۱۰. همان، ج ۱۴، ص ۶۰۴۲ - ۶۰۴۱.

به نام صالح پسر هیثم سپرده بود.^۱ علی بن عیسی وزیر خلیفه مقتدر، شتران جمّازه از بغداد به مصر فرستاد تا به وسیله برید از رویدادهای روزانه فاطمیان که آهنگ تصرف مصر کرده بودند آگاهی یابد.^۲ در زمان همین خلیفه، شفیع لؤلؤی که رئیس برید بود به سال ۳۱۲ ق وفات یافت و منصب او به شفیع مقتدری واگذار شد.^۳

بسیاری از وقایع نواحی، فعالیت حکام و سرداران، پیروزی و شکست در عملیات‌های نظامی، دستگیری مخالفان، برکناری یا نصب عاملان و اخبار شورش‌ها را مأموران برید به آگاهی خلفا می‌رساندند. در منابع تاریخی بارها از رسیدن نامه و یا خوانده شدن نامه گزارش کرده‌اند که یقیناً از سوی تشکیلات برید انجام می‌شده؛ زیرا می‌بایست فرستنده مورد اعتماد بوده و به هر نامه و فرستاده‌ای نمی‌شد اعتنا کرد. جاسوسان و فرستاده‌های شخصی خلفا به مأموریت‌ها نیز به گونه‌ای به تشکیلات برید مربوط بودند؛ زیرا می‌بایست افزون بر مورد اعتماد بودن، به مسیر راهها و شیوه‌های خبرگیری و جاسوسی و حفظ خود از افشا شدن یا دستگیر شدن آگاه باشند تا در انجام مأموریت خود موفق شوند. برای نمونه، گزارش متصدی برید همدان از حرکت موسی بن بغا، به خلیفه مهتدی،^۴ گزارش دستگیری عمرولیث صفاری به دست اسماعیل بن احمد سامانی در سال ۲۸۷ ق به خلیفه معتضد،^۵ نامه متصدی برید اهواز به معتضد به سال ۲۸۸ ق حاوی خبر حرکت یاران طاهر بن محمد صفاری به سوی اهواز، نیز نامه دیگری از وی که از قصد اسماعیل بن احمد سامانی برای جنگ با طاهر بن محمد صفاری و رفتن به سیستان خبر می‌داد^۶ و نمونه‌های متعدد دیگر.^۷ در زمان معتضد در ربیع‌الاول سال ۲۸۵ ق فاتک از غلامان معتضد برای بررسی کار عاملان موصل و دیار ربیعه و دیار مضر و مرزهای شام و جزیره و سامان دادن کارهایشان از بغداد عازم می‌شود، افزون بر اینکه کار برید این نواحی را نیز برعهده داشت.^۸

ابن‌هبیره وزیر مقتفی با ترفندهای گوناگونی که استفاده از جاسوس و مأمور ویژه بود برای

۱. همان، ص ۶۲۴۱.

۲. قرطبی، دنباله تاریخ طبری، ص ۶۸۲۹.

۳. ابن‌اثیر، کامل، ج ۱۳، ص ۱۹۵.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۴، ص ۶۳۰۴.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۶۷۰۱.

۶. همان، ص ۶۷۰۹.

۷. ر.ک: همان، ص ۶۶۸۹، ۶۶۹۴ - ۶۶۹۹، ۶۷۰۲، ۶۷۰۴، ۶۷۰۵ و ...

۸. همان، ص ۶۶۹۳.

رساندن اخبار و یا از میان برداشتن مخالفان خلیفه بهره می‌گرفت.^۱ هییره همچنان به پادشاهان اطراف نامه‌های کوچکی «بر ورق الطیر» یا پوستی نازک و کوچک می‌نوشت و آن را زیر پوست ساق پای قاصد مخفی می‌کرد و او را روانه می‌نمود.^۲ او برخی پیام‌ها را روی پوست سر قاصد با سوزن و سرمه نقش می‌کرد تا کسی به نوشته دست نیابد.^۳

در مجموع، دیوان برید و مأموران آن نقش مهمی در اداره تشکیلات و سازمان‌های کشوری خلافت اسلامی برعهده داشتند و خدمات درخشانی به دولت کردند. این دیوان اطلاع و آگاهی مداوم حکومت از اوضاع ولایات و مناطق را تأمین می‌کرد. در هر ولایت و منطقه یک عامل برید از سوی خلیفه حضور داشت که به کمک جاسوسان خود اخبار و حوادث منطقه را جمع و سریعاً به اداره مرکزی در بغداد منتقل می‌کرد. این کار برای تأمین امنیت و سلامت کشور، حفظ نظم و انتظام امور و تأمین وحدت و یکپارچگی کشور بزرگ عباسیان در شرایطی انجام می‌شد که وسایل ارتباطی سریع و ضروری برای کنترل اوضاع وجود نداشت.^۴

نتیجه

با بررسی گستره کارکردی و وظایف دیوان برید به دست می‌آید که این دیوان که با بهره‌گیری از نظام چاپاری دوره باستان در تشکیلات اداری خلافت اسلامی پدید آمد، افزون بر خدمات پستی، با ایجاد نظام خبرگیری و خبررسانی، اخبار و اطلاعات را از سراسر کشور جمع‌آوری و به مرکز خلافت انتقال می‌داد. مأموران این نهاد با نظارت بر رفتار کارگزاران حکومتی و گزارش کارها و نحوه عملکرد آنها به مرکز و نیز فعالیت‌های جاسوسی، هم در میان مقامات حکومتی و مخالفان و هم در قلمرو همسایگان، خلفا را بر اوضاع داخلی و پیرامونی آگاه و در جلوگیری از بروز حوادث احتمالی یاری می‌کردند. دقت در بازرسی و نظارت، سرعت عمل در کشف توطئه‌ها و انتقال اخبار به مرکز سیاسی، خلافت را در چاره‌جویی در برابر حوادث و بحران‌ها فعال می‌کرد. متصدیان برید به‌منزله چشم و گوش خلافت در نواحی مختلف، خلفا را در جریان حوادث قرار می‌دادند و در مواقع لزوم به‌عنوان مأموران ویژه در ترور مخالفان سیاسی خلیفه اقدام می‌کردند. سروکار داشتن این نهاد با مقوله اخبار و اطلاعات و امنیت، بر اهمیت جایگاه آن نزد خلفا و امرای حکومتی افزود و توانمندی و کارآمدی آن

۱. برای نمونه‌ای از این ترفندها، ر.ک: نخجوانی، *تجارب السلف*، ص ۳۰۹؛ ابن طقطقی، *تاریخ فخری*، ص ۴۲۲.

۲. همان، ص ۴۲۳؛ نخجوانی، *تجارب السلف*، ص ۳۰۹.

۳. همان، ص ۳۱۰ - ۳۰۹.

۴. مکی، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ص ۲۱۴ - ۲۱۲.

در ارتباط نزدیکی با ثبات امنیت داخلی و تداوم قدرت خلفا و حکام سیاسی در قدرت قرار داشت، چنان که ناکارآمدی و سستی این نهاد می‌توانست در بی‌ثباتی حکومت و تزلزل قدرت خلیفه یا امیر مستقر، مؤثر واقع شود. هم از این رو، اندیشمندان متعددی بر ضرورت وجودی این نهاد و اهمیت آن در تشکیلات اداری حکومت‌ها تأکید کرده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. آبادی، محمد، «بحثی در پیرامون برید»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آذربادگان، تبریز، سال ۲۹، ش ۱۲۲، تابستان ۱۳۵۶، ص ۲۳۹ - ۲۰۸.
۲. آذرنوش، آذرتاش، برید، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۷۱ - ۶۴.
۳. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی، کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۰ - ۹ و ۱۴ - ۱۳، ترجمه عباس خلیلی، بی‌جا، علمی، بی‌تا.
۵. ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ایران در صورة الارض، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۶۶.
۶. ابن خردادبه، المسالك و الممالک، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، مترجم، ۱۳۷۰.
۷. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۳، ۱۳۶۷.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق یاسر سلیمان ابوشادی، مجدی فتحی السید، قاهره، المكتبة التوفیقیه، بی‌تا.
۹. اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۰. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
۱۱. اعلمی حائری، محمدحسین، دایره المعارف الشیعیه العامه، الجزء السادس، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية، ۱۴۱۳ ق.

۱۲. امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه فخرداعی گیلانی، تهران، گنجینه، چ ۲، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. انوری، حسن، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، تهران، سخن کتابخانه طهوری، چ ۲، ۱۳۷۳.
۱۴. برنی، ضیاءالدین، فتاوی جهاننداری، لاهور، چاپ افسر سلیم خان، ۱۹۷۲ م.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان بخش مربوط به ایران، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۶۴.
۱۶. پیرنیا، محمد کریم و کرامت الله افسر، راه و رباط، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور و آرمین، چ ۲، ۱۳۷۰.
۱۷. پیگولوسکایا، ن. و. و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چ ۴، ۱۳۵۴.
۱۸. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، چ ۱۳، ۱۳۸۶.
۱۹. جوینی، علاءالدین عظاملک، تاریخ جهانگشای، ج ۱، به همت محمد رمضانی، تهران، پدیده «خاور»، چ ۲، ۱۳۶۶.
۲۰. حتی، فیلیپ خلیل، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی‌جا، آگاه با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۲، ۱۳۶۶.
۲۱. حسن، ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲ در یک مجلد، بی‌جا، جاویدان، چ ۷، ۱۳۷۱.
۲۲. راین، آلن، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۲۳. رفاعی، محمدانور، تشکیلات اسلامی، ترجمه جمال موسوی، مشهد، به نشر (آستان قدس رضوی)، ۱۳۹۳.
۲۴. ریتزر، جورج، نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی، چ ۷، محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۸۲.
۲۵. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۶۹.
۲۶. سرکاراتی، بهمن، «برید»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۳۲۰-۳۱۹.
۲۷. شبانکاره‌ای، محمد بن علی، مجمع الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک، ج ۹ و ۱۴-۱۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی‌جا، اساطیر، چ ۲، ۱۳۶۳.

۲۹. طبری، محمد بن جریر، *تاریخنامه طبری*، ج ۴، گردانیده منسوب به بلعمی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران، سروش، چ ۳، ۱۳۸۹.
۳۰. عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر، *قابوسنامه*، تصحیح سعید نفیسی، تهران، فردوس، چ ۲، ۱۳۹۰.
۳۱. فقیهی، علی اصغر، *آلبویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر*، گیلان، صبا، ۱۳۵۷.
۳۲. فکوهی، ناصر، *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران، نی، ۱۳۸۱.
۳۳. قدامه بن جعفر، *کتاب الخراج و صنعه الکتابه*، حقه و قدم له حسین خدیوچم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
۳۴. قدامه بن جعفر، *کتاب الخراج*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، البرز، ۱۳۷۰.
۳۵. قرطبی، عریب بن سعد، *دنبالة تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی‌جا، اساطیر، چ ۳، ۱۳۶۵.
۳۶. قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، الجزء الرابع، شرحه و علق علیه محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۳۷. کتّانی، عبدالحی، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، سمت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۳۸. کسای، نورالله و نادیا برگ نیسی، «برید»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۳، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۷ - ۳۲۰.
۳۹. کافی، مجید، *جامعه‌شناسی تاریخی (مبانی، مفاهیم و نظریه‌ها)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۴۰. گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب، *فرهنگ علوم اجتماعی*، جمعی از مترجمان، تهران، مازیار، ۱۳۷۶.
۴۱. گولدنر، آلون، *بحران جامعه‌شناسی غرب*، ترجمه فریده ممتاز، تهران، علمی، ۱۳۸۳.
۴۲. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، منوچهر صبوری، تهران، نی، چ ۲۲، ۱۳۸۷.
۴۳. متز، آدم، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ج ۲ - ۱، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۴۴. محسنی، منوچهر، *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران، دوران، ۱۳۸۳.
۴۵. محمدی ملایری، محمد، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*، تهران، توس، چ ۵، ۱۳۸۴.
۴۶. مساواتی آذر، مجید، *دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره تغییرات اجتماعی*، بی‌جا، مؤلف، ۱۳۷۲.

۴۷. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۲، ۱۳۶۰.
۴۸. مظاهری، علی، *زندگی مسلمانان در قرون وسطا*، ترجمه مرتضی راوندی، تهران، سپهر با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۸.
۴۹. مکی، محمد کاظم، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۵۰. مندراس، هانری و ژرژ گوریچ، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۸۴.
۵۱. ناجی، محمدرضا، *تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان*، بی‌جا، مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان، ۱۳۷۸.
۵۲. ناشناس، *تاریخ شاهی قراختانیان*، به اهتمام و تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
۵۳. ناظم، م.، «پندنامه سبکتکین»، در *زمینه ایران شناسی*، به کوشش چنگیز پهلوان، تهران، مؤلف، ۱۳۶۸، ص ۸۵ - ۷۹.
۵۴. نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، *تجارب السلف*، تصحیح عباس اقبال «آشتیانی»، به اهتمام توفیق سبحانی، تهران، طهوری، چ ۳، ۱۳۵۷.
۵۵. نظام الملک طوسی، ابوعلی حسن بن علی، *سیاست‌نامه (سیرالملوک)*، به کوشش جعفر شعار، تهران، چاپخانه سپهر، چ ۳، ۱۳۶۴.

